

مطالعه تطبیقی فن شعر ارسطو و ابن سینا در باب چگونگی شعر

فریده دلیری^۱، اسماعیل بنی اردلان^۲، امیر مازیار^۳

چکیده

چیستی و تعریف شعر همواره مورد توجه متفکران ادبی حوزه فلسفه بوده است. فن شعر ارسطو یکی از برجسته‌ترین یادگاران نقد محتوایی و ساختاری شعر است. ارسطو در بستر فرهنگ یونانی، تراژدی را تقلید و گونه‌یی نمایشی میداند که تماشای آن به کاتارسیس می‌انجامد. در سنت اسلامی، آشنایی با *بوطیقا* (فن شعر ارسطو) از قرن سوم و چهارم هجری و بواسطه ترجمه و تلخیص‌هایی که از آن صورت گرفت، آغاز شد. در همین قرن، فارابی و سپس ابن‌سینا در حیطه شعر و بمنظور مطالعه دیدگاه‌های ارسطو، به تفسیر و تحلیل فن شعر ارسطو پرداختند. مهمترین شرح و تلخیص این رساله توسط ابن‌سینا و با تأثیرپذیری از فارابی صورت گرفته است. در رساله ابن‌سینا مراد از شعر با حوزه شعر متعارف تفاوت دارد. گوهر شعر، محاکات است و در آن حضور کارآمد عنصر خیال دیده میشود. این پژوهش تلاش میکند ضمن مقایسه ماهیت شعر در فن شعر شفای ابن‌سینا و *بوطیقای* ارسطو، نشان دهد که ابن‌سینا

۱۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۶ نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ faribadaliri1@gmail.com

۲. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ Bani.ardalan@yahoo.com

۳. استادیار گروه فلسفه هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران؛ maziar1356@gmail.com



چه دیدگاهی درباره شعر داشته و در این رساله چه تعریفی از شعر و اجزاء آن ارائه داده و تا چه اندازه به نگره ارسطو در اینباره نزدیک شده است. در این راستا، مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی و تطبیق، سامان یافته است.

کلیدواژگان: ارسطو، ابن سینا، تقلید، محاکات، خیال.

* * *

مقدمه

هنگامی که ارسطو در *بوطیقا* (poetics) از شعر سخن میگوید شعر را عالیت و فلسفیت از تاریخ میدانند، چراکه شعر از امور کلی و تاریخ از موارد جزئی سخن میگوید. در میان فلاسفه یونان، ارسطو نخستین کسی است که به شعرشناسی منطقی، مشروح و مدون پرداخته است. اگرچه آنچه از شعر یونانی باقی مانده به قرن هفتم و هشتم پیش از میلاد و حماسه‌های هومر و هزیود برمیگردد اما منظومه‌های این شاعران آغازگر شعر یونانی نیست. سرچشمه شعر یونانی به اساطیر و سنت حماسی آن سرزمین بازمیگردد.

ارسطو نخستین کسی بود که سعی کرد قواعدی برای آفرینشهای ادبی کشف کند. هرچند در فن *خطابه*، شعر را کلام موزون میدانند اما در رساله فن شعر (*poetry*) معتقد است هر سخن موزونی را نمیتوان شعر دانست. او نظریه ادبی خود را بر پایه تقلید (Imitation) یا محاکات بنا کرده و سه عنصر وزن (ایقاع)، لفظ و هماهنگی را رکنهای شعر بشمار می‌آورد. همچنین بر پایه نگره ارسطو، انواع شعر اصلی در جوهر تقلید مشترکند. او تفاوت آنها را در عناصر سه‌گانه تقلید میدانند.

رساله فن شعر ارسطو، یا *بوطیقا*، رساله‌ی بانفوذ و ماندگار در مورد هنر نمایش و تئاتر یونانی است و از آنجا که این کتاب ساختار تئاتر را تبیین میکند، نظریه پردازان تئاتر غرب از دیرباز توجه بسیاری به آن داشته‌اند. فن شعر ارسطو

۱۳۴



سال یازدهم، شماره سوم
زمستان ۱۳۹۹